



جمعه

ضمیمه نوجوان

شماره ۴۷۲ شهرپور ۱۴۰۰

نوجوان
ج.ا.م



سید سپهر
جمعه زاده



پیام‌های خود را به
پست الکترونیکی
ضمیمه نوجوانه
به نشانی
زیر ارسال کنید.
info@jamejandaily.ir

شماره پیامک
۳۰۰۰۱۲۲۳
نیز راه ارتباطی
دیگر ما
با شماست



مهدی پاکدل در نقش کشمیری - ماجرای نیمروز

گرگ در لباس میش

[بسیار سرتی-۱۳۵۸/۴/۹]

مسعود کشمیری، مرد خوش سابقه کمیته انقلاب به دفتر امور انقلاب نخست وزیری معرفی می‌شود و از آنجا نیز ماموریت‌های محرمانه ای به او واگذار کرد.

رونوشت به ناصر فرید، رئیس ستاد کل ارتش و سرهنگ حاتمی راد رئیس اداره دوم:

«بدین وسیله آقای مسعود کشمیری از دفتر نخست‌وزیری برای بررسی اسناد و مدارک طبقه بندی شده تارده به کلی سری تعیین گردیده‌اند. به آن نیرو معرفی می‌شوند دستور فرمایید مسئولین امر در زمینه تسهیلات لازم معمول و همکاری بایسته به عمل آید.»

[محرمانه-۱۳۵۸/۴/۲۳]

از دادستان کل انقلاب، مهدی هادوی به سرهنگ فوقانی: «آقای مسعود کشمیری ماموریت دارند پرونده‌های ضد اطلاعات و سیار اسناد را بررسی نمایند و جز ایشان و افرادی که از طرف مشارالیه معرفی می‌گردند، پرونده‌ها و اسناد موجود را در اختیار دیگری قرار ندهید. چنانچه فرماندهی نیروی هوایی پرونده‌ای را برای مطالعه خواستند، می‌توانند در اختیار ایشان قرار دهند و مجدداً تحویل بگیرند.»

[ظهر روز ۱۳۶۰/۴/۸]

بعد از ماجرای انفجار دفتر حزب جمهوری، جلسه‌ای در محل شورای امنیت کشور در حال برگزاری است. نمایندگان اطلاعات سپاه به همراه دبیر وقت شورای امنیت کشور، مسعود کشمیری، در جلسه حضور دارند. چهره‌ها محزون به نظر می‌رسد و اذان ظهر صدای زیر متن سکانس است. -اینجا کینه به دل گرفتن آقا! تا دیروز که مسجد ابوذر و کشتار مردم عادی، حالا هم دفتر حزب. توی دفتر نخست وزیری شما ردی از نفوذ یا پیدا نکردین؟ +والا به تعدادی مشکوک شدیم. گرفتیمشون زیر چتر



اطلاعاتی بینیم چی دستگیرمون میشه. لازم باشه خب دستگیرشون هم می‌کنیم. میگیریمشون ان شاء...
+عکسی چیزی از اینایی که تحت نظرن موجود هست در اختیار بگذارید؟

-حتما این کارو می‌کنیم. ما هدفمون یه چیزه برادر. حرف محرمانه ای با شما نداریم. مگر این که شما ما رو محرم ندونی.
+اختیار دارید.

-حالا حالا هم با هم کار داریم. روزای خوبی نیست. تحلیل درستی هم از اوضاع نداریم. شمارو نمی‌دونم ولی به من که خیلی داره سخت میگذره. ما این وضعیت امروزمونو راحت به دست نیاوریم که اینطوری.... (بغض می‌کند)
+بگذریم. وقت نمازه آقا.

-کجا می‌تونیم وضو بگیریم؟

+من که وضو دارم. شما می‌تونید انتهای راهرو وضو بگیرید.

پس بفرمایید جلو آقا. شما شروع کنید، ما پشت سر شما قامت می‌بندیم.

(کشمیری سرش را به نشانه تایید تکان می‌دهد. مکثی می‌کند و جلو می‌ایستد.)

-ا... اکبر، تکبیره الاحرام

[جماران - مرداد ماه - همان سال]

بنی صدر عزل شده و محمد علی رجایی بر مسند ریاست جمهوری نشسته است. کابینه تشکیل شده و حالا آنها برای دیدار با امام به جماران آمده‌اند. پاسدارها مستقرند. دستوری مخابره می‌شود.

-غیر از آقایان رجایی و باهنر همگان بازید بدنی شوند. +ما شرمند ایم آقایون! ما موریم و معذور. لطفاً اگر کیف دستی همرا دارید روی این میز قرار بدهید.

(جمعیت یک به یک تفتیش می‌شوند. دوربین روی کیف چرمی مرد انتهای صف، فیکس می‌شود.)

+آقا شما هم باید بازید شوید. لطفاً کیف رو باز کنید.

-من دبیر هیات دولت هستم. با آقای رجایی هماهنگ شده. اجازه بدید من با ایشان تماس بگیرم. زشته آقا این کارها. من چرا باید بازید شوم!

(شروع به اعتراض و داد و بیداد می‌کند. اجازه تفتیش نمی‌دهد و با آقای رجایی تماس می‌گیرد.)

-حاج آقا! لطفاً چون ایشان دبیر هیات دولت بوده و مورد اعتماد است از بازید او و کیفش که حاوی اسناد دولتی است، صرف نظر شود!

-نمی‌شود آقای رجایی. شما برای ما محترمید. اما بازید باید به طور دقیق و کامل از او صورت بگیرد و کیف را هم



نمی‌گذاریم بدون تفتیشش به بالا بیاورند.
(کشمیری با حالتی که گویا قهر کرده است، جماران را ترک می‌کند.)

[بعد از ظهر-۱۳۶۰/۶/۸]

جلسه شورای امنیت کشور؛ حاضران: محمد علی رجایی رئیس جمهور، محمد جواد باهنر نخست وزیر و مسعود کشمیری جانشین دبیر شورای امنیت در صدر میز جلسه نشسته‌اند. تیمسار وحید دستجردی کنار باهنر و بعد از او اخبانی به جای فرماندهی ژاندارمری کل نشستند، در کنار وی به ترتیب سرهنگ کتیه، سرورالدینی معاون وزیر کشور، خسرو تهرانی از اطلاعات نخست وزیری، کلاهدوز قائم مقام سپاه یک طرف میز بودند و طرف دیگر میز تیمسار شرف خواه معاون نیروی زمینی، سرهنگ وحیدی معاون هماهنگی ستاد مشترک، سرهنگ وصالی فرمانده عملیات نیروی زمینی و سرهنگ صفاپور فرمانده عملیات ستاد مشترک قرار دارند. ضبط صوت بزرگ کشمیری که مخصوص ضبط جلسات است، درست نزدیک رجایی و باهنر قرار می‌گیرد و کشمیری معمول هر جلسه چای می‌ریزد و برای حاضر می‌آورد و پس از گفت‌وگوی کوتاهی با خسرو تهرانی از جلسه خارج می‌شود. او پیش از خروج از جلسه کیف بزرگی را که همیشه همراه دارد با پا به نزدیکی رجایی هدایت می‌کند.

[شامگاه ۱۳۶۰/۶/۲۲]

آیت‌ا... ربانی املشی دادستان کل کشور در تلویزیون حاضر شده است.

«عامل انفجار نخست وزیری همان شخصی بود که نام او در بین شهدا برده شد و روز اول در کنار شهیدان عزیز، رئیس جمهور و نخست وزیر محبوب ما به عنوان شهید سوم قلمداد و جنازه‌ای به نام او به وسیله مردم تشییع شد. مسعود کشمیری که در نخست وزیری جا باز کرده بود، تقریباً از همه چیز اطلاع داشت و دبیر شورا بود. کشمیری از یک سال قبل وارد نخست وزیری شد و خیلی خوب نقش خود را بازی و چهره کریه‌اش را مخفی کرد به طوری که یکی از مسؤولان امر در نخست وزیری می‌گفت در بین هزار احتمال، یک احتمال انحراف درباره او نمی‌دادیم.»

عکس بی قاب



هر شماره یک عکس اینجا می‌گذاریم و شما می‌توانید شعر، جمله یا هر چیزی که در مورد آن به ذهن‌تان می‌رسد برای ما ارسال کنید. بهترین عبارات در شماره بعدی ضمیمه به اسم خودتان چاپ می‌شود.

سندکمپانی سواری هاچ بک جگ
S5-AT مدل ۱۳۹۸ رنگ سفید روغنی
شماره موتور HFC4GA31DK0009775 شماره
شاسی NAKSH732XKB178443 و شماره پلاک
۹۱۸ پ ۵۱ ایران به نام محمدرضا محبوب
چپکی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت موتورسیکلت
تیپ تیز باد مدل ۱۳۸۸ به رنگ آبی شماره
انتظامی ایران ۶۲۴-۱۵۵۲۵ شماره موتور
2009109463 و شماره شاسی 8824115 به نام
محمدرضا کاظمی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو تیبا مدل ۱۳۹۳
به رنگ سفید شماره انتظامی ایران ۵۳
۳۷۸ ص ۵۸ شماره موتور 8106923 و
شماره شاسی NAS811100E5760676
به نام سعید محمد خدائی مفقود
گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سواری پژو 405GLX-XU7
مدل ۹۵ شماره موتور 124K0798898
شماره شاسی NAAM01CE0GR805199 پلاک
۴۸ ایران ۴۴۷ د ۴۶ متعلق به مجید قایدی
مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.